۳۰۱ - سروری از برای عبدالبهاء نمانده

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۳۰۱ - سروری از برای عبدالبهاء نمانده

سروری از برای عبدالبهاء نمانده مگر نفحات گلشن قلوب احبّا. اين است روح و ريحان من اين است سرور قلب و جان من که نفوسی مبعوث گردند که جز بهاء ندانند و بغير از محبّتش وجد و طربی ننمايند از صهباء عنايتش جام سرشار باشند و از فضل و موهبتش سراجهای پر انوار. ای ياران حقيقی الحمد للّه صيت امر اللّه خاور و باختر گرفته و آوازه ملکوت ابهی جهانگير گشته از هر کرانه‌ای نعره يا بهاءالابهی بلند است و از هر اقليمی فرياد يا عليّ الاعلی مرتفع.

الحمد للّه در نزد جميع ملل و امم ثابت و محقّق که اهل بها اهل سلام و صلاحند و بری از جنگ و سلاح خير خواه عالميانند و محبّ جميع آدميان در سبيل آسايش و راحت کلّ خلق جانفشانند و در راه حقّ منفق دل و جان. حال وقت آنست که ياران چون دريا بجوش آيند و چون نهنگ لا بخروش تا فيوضات جمال مبارک در عروق و اعصاب جميع بشر سرايت نمايد. و عالم انسانی جهان رحمانی گردد و روی زمين جنّت نعيم شود نزاع و جدال بکلّی بر افتد و وحدت حال در بين جميع امم جلوه نمايد. ای ياران الهی الحمد للّه اکليل موهبت اسم اعظم بر سر داريد و خلعت و تشريف ربّ قدم در بر، تأييدات متتابع است و توفيقات متوالی، شمس حقيقت از جهات پنهان در نهايت اشراق و فيض بهار الهی در جميع آفاق منتشر و نسيم عنايت در هبوب و بحر موهبت پر موج قدر اين مواهب الهيّه بدانيد و جانفشانی نمائيد. اميدم چنان است که در عبوديّت آستان جمال مبارک شريک و سهيم عبدالبهاء گرديد هذا غاية المنی و الموهبة الکبری و عليکم البهاء الابهی.

